



دانشگاه خوارزمی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه دین و فلسفه

پایان نامه ارشد

در رشته علوم قرآن و حدیث

**موضوع:**

بررسی تطبیقی آیات صفات خداوند در تفاسیرالمیزان علامه  
طباطبایی (ره)

و التحرير و التنوير ابن عاشور

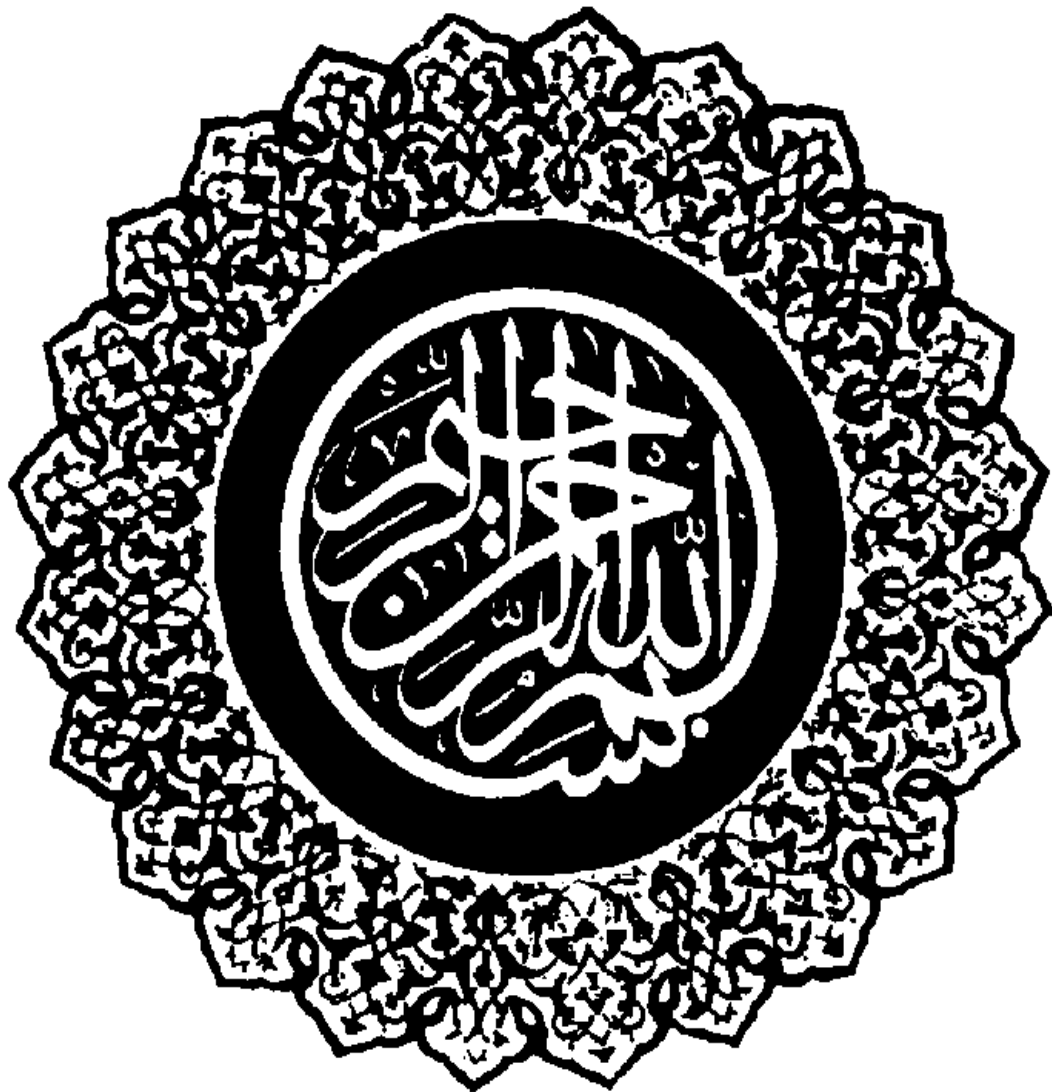
استاد راهنما:

**آقای دکتر سید احمد امام زاده**

تنظیم:

**محمد دهقان چناری**

اسفند ۱۳۹۰





دانشگاه خوارزمی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه دین و فلسفه

پایان نامه ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث

**موضوع:**

**بررسی تطبیقی آیات صفات خداوند در تفاسیرالمیزان علامه  
طباطبایی (ره)**

**و التحرير و التنوير ابن عاشور**

استاد راهنما:

**آقای دکتر سید احمد امام زاده**

استاد مشاور:

**آقای دکتر عبدالوهاب شاهرودی**

تنظیم:

**محمد دهقان چناری**

اسفند ۱۳۹۰

## تقدیر و تشکر

از استادانم که سیاهی را دریدند و راهی سپید فرارویم نهادند، بویژه:

جناب آقای دکتر سید احمد امام زاده                      استاد راهنما

جناب آقای دکتر عبدالوهاب شاهرودی                      استاد مشاور

که این مهم با هدایت و حمایت های بی دریغ ایشان سامان یافت، کمال تشکر را دارم و یادشان را همواره گراهی می دارم.

و در انتها سپاس گزار آنانم که شکستند تا استوار بمانم، بخصوص همسر صبورم، خانم مهندس علیه حاجی حسنی جزستانی، که در غربت کنارم بود و دشواری ها از صبرش نکاست.

## چکیده :

در بررسی آیات مربوط به صفات الهی، به آیاتی بر می خوریم که از نظر معنای ظاهری، خداوند منسوب به صفات و اعضای مخلوقات شده است که مشهور به آیات تشبیهی هستند. متکلمین اسلامی در تبیین و تفسیر این قبیل آیات، راه های مختلفی را پیموده اند. اشاعره به عنوان یکی از مکاتب بزرگ فکری و کلامی در میان اهل سنت، برای رهایی از اتهام شبیه و تجسیم خدا و از طرفی پرهیز از تأویل آیات، با حفظ معانی ظاهری آنها، قاعده ای را با عنوان «بلاکیف» مطرح نموده اند. صفات خدا و چگونگی اتصاف ذات الهی به این صفات محور نوشتار حاضر است. در طی این نوشتار ضمن تبیین و تحدید مسأله و جایگاه آن سعی شده است با بانی مستدل و با اتکاء به کلمات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر نظری عینیت صفات با ذات تبیین گردد. نگاه ابن عاشور (التحریر و التنویر) در مسایل کلامی، نگاه اشعری است مگر در مواردی اندک که به دیدگاه معتزله گرویده است.

## کلید واژه ها

ذات الهی. صفات الهی. عینیت ذات. علامه طباطبایی. ابن عاشور

## فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه	۱۱
فصل اول : شیعه و اشاعره:	۱۵
۱-۱- عقاید کلامی شیعه	۱۸
۱-۱-۱- سیر اندیشه های کلامی	۱۸
۱-۲- صفات خدا از دیدگاه شیعه	۲۱
۱-۲-۱- صفات الهی در علم کلام	۲۱
۱-۳- زندگی نامه علامه طباطبایی(ره)	۲۳
۱-۴- صفات الهی از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)	۲۴

۱-۴-۱- بشر قادر است بفهمد ذات خداوند دارای چه صفاتی است؟.....۲۴

۱-۴-۲- مقیاس شناخت معانی صفات خداوند چیست؟.....۲۵

۱-۴-۳- آیا می توان خداوند را به اوصاف ایجابی توصیف کرد؟.....۲۶

۱-۴-۴- آیا می توان اوصافی را از خداوند سلب نمود؟.....۲۷

۱-۴-۵- آیا می توان خداوند را به اوصاف فعلی توصیف کرد؟.....۲۸

۱-۴-۶- منشأ جسم‌انگاری خداوند از سوی عوام چیست؟.....۲۹

۱-۴-۷- چرا قرآن خداوند را جسم‌وار وصف کرده است؟.....۳۰

۱-۴-۸- روش علامه طباطبایی در تفسیر صفات انسان‌وار چیست؟.....۳۱

۱-۵- تفسیر المیزان علامه طباطبایی (ره).....۳۵

۱-۵-۱- مزایا و محاسن المیزان.....۳۵

۱-۶- مکتب اشاعره.....۳۷

۱-۶-۱- مبانی اعتقادی اشاعره.....۳۷

۱-۶-۱-۱- روش میانه.....۳۷





۴۵..... ۱-۲-۱-۶-۱- صفات انسان گونه

۴۶..... ۱-۳-۱-۲-۶-۱- دیدگاه ها

۴۷..... ۱-۴-۱-۲-۶-۱- کلام و رویت

۴۸..... ۱-۵-۱-۲-۶-۱- رابطه ذات و صفات

۵۰..... ۱-۲- زندگی نامه ابن عاشور

۵۱..... ۱-۸- التحریر و التنویر

۵۱..... ۱-۸-۱- ویژگی های التحریر و التنویر

۵۲..... ۱-۸-۲- ساختار تفسیر التحریر و التنویر

۵۵..... فصل دوم : مقایسه آیات صفات در ۲ دیدگاه علامه و ابن عاشور

۵۵..... ۱-۲- صفت ید

۵۵..... ۱-۱-۲- ید از دیدگاه لغویون

۵۵..... ۱-۱-۱-۲- مفردات راغب

۵۷..... ۲-۱-۱-۲- فرهنگ ابجدی

۵۷..... ۲-۱-۱-۳- قاموس قرآن

۵۹..... ۲-۱-۲- صفت ید از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)

۶۰..... ۲-۱-۳- صفت ید از دیدگاه ابن عاشور

۶۳..... ۲-۲- صفت وجه

۶۳..... ۲-۲-۱- وجه از دیدگاه لغویون

۶۵..... ۲-۲-۱-۱- مفردات راغب

۶۳..... ۲-۲-۱-۲- فرهنگ ابجدی

۶۳..... ۲-۲-۱-۳- قاموس قرآن

۶۸..... ۲-۲-۲- صفت وجه از دیدگاه علامه طباطبایی(ره)

۷۳..... ۲-۲-۳- صفت وجه از دیدگاه ابن عاشور

۷۵..... ۲-۳- صفت نفس

۷۵..... ۲-۳-۱- نفس از دیدگاه لغویون

۷۵..... ۲-۳-۱-۱- مفردات راغب

۲-۳-۱-۲- فرهنگ ابجدی..... ۷۶

۲-۳-۱-۳- قاموس قرآن..... ۷۶

۲-۳-۲- صفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)..... ۷۷

۲-۳-۳- صفت نفس از دیدگاه ابن عاشور..... ۷۹

۲-۴- صفت عین..... ۷۹

۲-۴-۱- عین از دیدگاه لغویون..... ۷۹

۲-۴-۱-۱- مفردات راغب..... ۷۹

۲-۴-۱-۲- قاموس قرآن..... ۷۹

۲-۴-۲- صفت عین از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)..... ۸۱

۲-۴-۳- صفت عین از دیدگاه ابن عاشور..... ۸۲

۲-۵- صفت عند..... ۸۳

۲-۵-۱- عند از دیدگاه لغویون..... ۸۳

۲-۵-۱-۱- مفردات راغب..... ۸۳

۲-۵-۱-۲- قاموس قرآن..... ۸۳

۲-۵-۲- صفت عند از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ..... ۸۶

۲-۶- صفت تعجب ..... ۸۶

۲-۶-۱- تعجب از دیدگاه لغویون ..... ۸۶

۲-۶-۱-۱- مفردات راغب ..... ۸۶

۲-۶-۱-۲- فرهنگ ابجدی ..... ۸۶

۲-۶-۱-۳- قاموس قرآن ..... ۸۷

۲-۶-۲- صفت تعجب از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ..... ۸۹

۲-۶-۳- صفت تعجب از دیدگاه ابن عاشور ..... ۹۱

۲-۷- صفت استواء ..... ۹۲

۲-۷-۱- استواء از دیدگاه لغویون ..... ۹۲

۲-۷-۱-۱- مفردات راغب ..... ۹۸

۲-۷-۱-۲- فرهنگ ابجدی ..... ۹۷

۲-۷-۱-۳- قاموس قرآن ..... ۹۹

۲-۷-۲- صفت استواء از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ..... ۱۰۱

۳-۷-۲- صفت استواء از دیدگاه ابن عاشور ..... ۱۰۴

۸-۲- صفت ساق ..... ۱۰۶

۱-۸-۲- ساق از دیدگاه لغویون ..... ۱۰۶

۱-۸-۲-۱- مفردات راغب ..... ۱۰۶

۲-۸-۱-۲- فرهنگ ابجدی ..... ۱۰۶

۳-۸-۱-۳- قاموس قرآن ..... ۱۰۹

۲-۸-۲- صفت ساق از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ..... ۱۱۰

۳-۸-۲- صفت ساق از دیدگاه ابن عاشور ..... ۱۱۱

۹-۲- صفت رضا ..... ۱۱۲

۱-۹-۲- رضا از دیدگاه لغویون ..... ۱۱۲

۱-۹-۲-۱- مفردات راغب ..... ۱۱۲

۲-۹-۱-۲- فرهنگ ابجدی ..... ۱۱۳

۳-۹-۱-۳- قاموس قرآن ..... ۱۱۴

۲-۹-۲- صفت رضا از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) ..... ۱۱۵

۱۱۶..... ۳-۹-۲- صفت رضا از دیدگاه ابن عاشور

۱۱۷..... ۱۰-۲- صفت جنب

۱۱۷..... ۱-۱۰-۲- جنب از دیدگاه لغویون

۱۱۷..... ۱-۱-۱۰-۲- مفردات راغب

۱۱۹..... ۲-۱۰-۱-۲- فرهنگ ابجدی

۱۲۰..... ۳-۱-۱۰-۲- قاموس قرآن

۱۲۲..... ۲-۱۰-۲- صفت جنب از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

۱۲۲..... ۳-۱۰-۲- صفت جنب از دیدگاه ابن عاشور

۱۲۳..... نتیجه گیری

۱۲۵..... منابع

## مقدمه :

مسلمانان در نخستین ایام صدر اسلام به مسأله صفت‌ها توجهی نداشتند، زیرا ایشان سرسپرده همان چیزهایی بودند که در قرآن آمده بودند، بدون اینکه در آنها اختلاف نظر با هم داشته باشند.

وضع ایشان چنین بود که هر گاه به برخی از آیه‌های قرآن بر می‌خوردند که به خدا پاره‌ای از صفت‌هایی را نسبت می‌دادند که با عقیده‌های ایشان درباره‌ی خدا سازگاری نداشتند یا به معنای یکتاپرستی و پاک‌شماری او خدشه وارد می‌ساختند، مثل نسبت دادن دست و چهره یا هر عرضی بدو، در تأویل آن نمی‌کوشیدند و در عین حال ایشان بر این امر اتفاق نظر و اجماع می‌داشتند که روا نمی‌باشد، منظور آیه، همان ظاهرش بوده باشد، اما در دوره‌های بعد از صدر اسلام وضع تغییر یافت و طایفه‌ای همچون مشبهه و کرامیه به گرفتن همان ظاهر متن‌ها گرایش یافتند و برای خدا بسیاری از صفت‌های انسانی را ثابت شمردند تا جایی که همین افراط در تشبیه، واصل بن عطا، پیر معتزله را بدین واداشت که به صفت‌های سلبی، مثل: وحدانیت و تفاوت داشتن با نوپدیده‌ها بسنده کند و صفت‌های ایجابی همچون دانایی و توانایی را انکار کند؛ زیرا ترسید که کار مسلمانان به وضعیتی بیانجامد که کار مسیحیان انجامید که سه صفت دیرین مستقل به ذات خود را ثابت شمردند جز اینکه پیروان واصل، بی‌درنگ دو صفت دانایی و توانایی را برای خدا ثابت دانستند تا کار به تعطیل نیانجامد؛ لیکن صفت‌ها به دست ابو‌هاشم جبایی و پیروانش، به حالت‌ها تغییر یافتند.

اما اشعری چنین توضیح داد که صفت‌های ایجابی ذات خدا، صفت‌هایی هستند فزون شونده بر ذاتش که بدو استوارند و به سان دیرینگی ذاتش دیرینه‌اند و آنها نه اویند و نه غیر اویند اما نظر متکلمان امامیه این است که صفات خداوند عین ذات اوست، یعنی وجود صفات را برای خداوند می‌پذیرند لکن آنها را زاید بر ذات نمی‌دانند آنگونه که اشاعره می‌دانستند بلکه آنها را عین ذات خداوند می‌شمارند.

موضوع این پایان نامه بررسی تطبیقی آیات صفات خداوند در

**تفاسیرالمیزان علامه طباطبایی و التحریر و التنویر ابن عاشور** می باشد، در این پژوهش سعی بر آن است **2** دیدگاه با عنوان تطبیق آیات صفات خداوند در تفاسیرالمیزان علامه طباطبایی و التحریر و التنویر ابن عاشور، مورد بررسی قرار گیرد.

تفسیر المیزان علامه (معاصر شیعی) دارای گرایش ادبی، اجتهادی و قرآن به قرآن است که دیدگاههای فلسفی و کلامی شیعه را بیان می‌کند و اعجاز ادبی قرآن را. کتاب التحریر و التنویر از تفاسیر معاصر اهل تسنن است که ابن عاشور محمد بن طاهر آن را نگاشته و این تفسیر، تفسیری تحلیلی و ادبی می باشد.

حال ما بر آن شدیم تا آیات صفات خداوند را در این دو تفسیر شیعه و اهل تسنن تطبیق دهیم و به نتایج قابل قبولی برسیم.

کار خود را با **2 سوال** ادامه می دهیم:

- 1 تفاوت علامه (شیعه) و ابن عاشور (اهل تسنن) در تفسیر آیات صفات خداوند به چه سان است؟
- 2 ریشه ها و خاستگاه تفاوت علامه و ابن عاشور در تفسیر آیات صفات به کجا بر می گردد؟

**فرضیه های** مربوط به سوالات بدیسان است:



۱- این دو مذهب (شیعی و اهل تسنن) دارای گرایش‌ها و نکات مشترک و متفاوت هستند، ولی با پژوهش در آیات صفات خدا در این دو تفسیر، به این نتیجه رسیدیم که علامه روشی متعادل‌تر از ابن عاشور دارد، که این موضوع بیشتر عقلانی بودن مذهب شیعه نسبت به اهل تسنن را بیان می‌کند.

2 تفاوت عمده بین خاستگاه‌های علامه طباطبایی و ابن عاشور در تفسیر آیات صفات به تفاوت در عقاید کلامی این دو مذهب بر می‌گردد، چنانچه عقاید علامه طباطبایی مطابق با مذهب شیعی است (پیروی از قول، تقریر و فعل پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)) و عقاید ابن عاشور مطابق با مذهب اهل تسنن (پیروی از قول، تقریر و فعل پیامبر (ص) و اصحاب) است.

با توجه به نکات قبل هدف این چنین می‌شود:

هدف این پژوهش بررسی تطبیقی آیات صفات خداوند در قرآن کریم از دیدگاه تفاسیر المیزان علامه طباطبایی و التحریر والتنویر ابن عاشور است از آنجا که این مقاله متن محور است مسئله‌ی پژوهشی خاصی آنچنان که در پژوهش‌های مسأله محور وجود دارد در آن مطرح نمی‌شود ولی با بررسی آیات صفات و تطبیق آنها با هم، نتایج به صورت جزئی و جداگانه برای هر یک از مقایسات و تطابق‌ها بدست می‌آید که بالتبع رسیدن به نتایج منسجمی از آن آیات متصور می‌باشد.



## فصل اول : شیعه و اشاعره:

شیعه امامیه که به اختصار در زبان عام شیعه، و در زبان فقها امامیه هم خوانده می‌شود، امروزه مذهبی با ویژگیهای مشخص است که بدان مذهب جعفری، یا اثنا عشری نیز اطلاق می‌گردد.

اصطلاح امامیه نیز به نحوی اجتناب ناپذیر در گذر تاریخ دگرگونی می‌پذیرد و از همین رو، باید در برهه‌های مختلف تاریخی، اصطلاحی تعریف شده باشد. دست کم از اوایل سده ۲ق/۸م، این گروه مذهبی از سوی مخالفان با عنوان نکوهش آمیز «رافضه»، خوانده شده است (مثلاً نک: فرات، ۱۳۹؛ ابن قتیبه، ۷۱) و جالب آن است که گاه عالمان امامیه در صدد بوده‌اند تا تفسیری ستایش آمیز از این عنوان ارائه کنند (مثلاً نک: فرات، همانجا؛ برقی، ۱۵۷).

شیعه طایفه‌ای است از مسلمین که به واسطه مخالفت‌هایی که از اکثریت نسبت به مسلمات کتاب و سنت مشاهده کرده، در مقام اعتراض و انتقاد برآمده و به ملازمت مسلمات کتاب و سنت برخاسته و دعوت کرده است. ولی سیاه‌ترین و تلخ‌ترین روزگاری که به این طایفه گذشته، همان سه قرن اول بعد از هجرت بوده، و از این راه پیشوایانشان، طبق دستور قرآنی آنها را امر به تقیه نموده بودند.

در طول سده ۱ق، به روزگاری پیش از دوره امامت امامان باقر و صادق (ع) که هنوز تعالیم امامیه به صورت مبسوط به شیعیان عرضه نگشته بود، به طور طبیعی نباید به جست و جوی گروهی خاص از عالمان شیعه، دست کم با عنوان مشخص امامیه پرداخت. آنچه در این سده به عنوان وجه تمایزی مهم میان گروههای شیعی می‌توان پیگیری کرد، دین‌گاہ آللن درباره منصوص بودن و مفترض الطاعه بودن امام بوده است. در حقیقت از سده ۲ق/۸م به بعد که در محافل شیعی نوعی تقابل میان امامیان و گروههای غیر امامی (روشن‌ترین نمونه آن اکثریت زیدیه) وضع و کاربرد اصطلاح امامیه را ضروری ساخته است، گزینش این عنوان برای این جماعت از شیعه و انتساب آنان به «امام»، از آن رو بوده است که بر خلاف اکثریت زیدیه، این گروه ثبوت امامت را به "نص جلی" و با تعیین فرد فرد امامان به امر الهی دانسته‌اند. در کنار این ویژگی، باید به برخی خصوصیات دیگر از جمله مفترض الطاعه بودن و معصوم بودن امام، و نیز خالی نبودن زمین در هیچ زمانی از امام به عنوان باورهای اساسی این گروه یاد

کرد (نک: شیخ مفید، اوائل...، ۴۶؛ شهرستانی، ۱/۱۴۴).

در دو دهه گذار از سده ۱ به سده ۲ق، امام محمد باقر(ع) به تدقیق و تفصیل تعالیم شیعه اهتمام ورزید و روایات پرشمار منقول از آن حضرت درباره فقه و دیگر تعالیم دینی نشان از آن دارد که آموزشهای دینی شیعه از روزگار آن حضرت روی به تدوین و شکل گیری نهاده است. اگرچه خط اصلی تشیع پس از وفات آن حضرت، فرزند ایشان امام جعفر صادق(ع) رابه پیشوایی می شناخت، اما همزمان زیدبن علی، برادر امام باقر(ع) نیز برای گروهی از شیعیان به عنوان امام پذیرفته شد و زمینه ای برای تشکل مکتبی جدید در میان شیعه با عنوان زیدیه گردید. از میانه سده ۲ق، تاریخ افتراق شیعه را باید در دو جریان موازی: امامیه و زیدیه، و نیز جریانی منشعب از امامیه با عنوان اسماعیلیه پیگیری کرد. در این میان اسماعیلیه هر زمان که به شریعت پایبند بوده اند و فقهی داشته اند، مکتب فقهی آنان پیوسته به مکتب امامیه بوده است و در صفوف زیدیه، یکی از فرق آنان با عنوان جارودیه، در طول عمر کوتاه خود، همواره از دیگر زیدیان به امامیان نزدیک تر بوده است.

دوره امامت امام صادق(ع) از طرفی با دوره انتقال سیاسی، و در نتیجه فضایی مساعد برای فعالیت های فرهنگی، و از دگر سو با عصر تدوین علوم اسلامی مقارن بود؛ در چنین فرصتی، امام صادق(ع) راه تدقیق و تفصیل تعالیم مذهب را که امام باقر(ع) گشوده بود، ادامه داد و چنانکه از روایات بی شمار منقول از آن حضرت آشکار می گردد، او ضمن تعیین مواضع امامیه در جوانب گوناگون تعالیم دینی، مهم ترین نقش را در تدوین فقه امامیه ایفا نموده اند.

به هنگام وفات امام صادق(ع) در ۱۴۸ق/۷۶۵م، پیروان گروهی که در تاریخ، اسماعیلیه نام گرفته اند، محمد بن اسماعیل نواده آن حضرت را به امامت شناختند که پدر او فرزندمهر امام بوده، و در زمان حیات امام در گذشته بوده است؛ اما از دیگر پیروان، برخی عبدالله افطح فرزند آن حضرت را از باب مهتری در سال، به عنوان امام شناختند و برخی دیگر با تمسک به نص امام صادق(ع)، به امامت امام موسی کاظم(ع) باور داشتند.

با درگذشت تردید برانگیز امام کاظم(ع) در حبس، موج جدیدی از اختلاف در صفوف شیعیان پدید آمد و شیعیان موسوی به دو گروه قطعی و واقفه تقسیم شدند. واقفه با مطرح کردن روایاتی، امام کاظم(ع) رابه عنوان مهدی شناختند و امامت را بدو ختم کردند، و خط اصلی که با قاطعیت امام رضا